جام جم

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳
■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰ | ۱۹ صفر ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۰۴۲ | Sunday - September 26 , 2021

حدیث روز: بحارالانوار

امام حسین(ع)

هرکس حق معبودیت خدا را به جا آورد، خداوند بیش از حد انتظار و کفایتش به او عطا می‌کند.

واحه: سعدی

قصه به هر که می‌برم فایده‌ای نمی‌دهد
مشکل درد عشق را حل نکند، مهندسی

امروز در تاریخ:

- اعتراض مردم تهران نسبت به کمبود نان و ارزاق عمومی (۱۳۰۴ش)
- بنیانگذاری باشگاه فوتبال استقلال تهران (تاج) (۱۳۲۴ش)
- درگذشت رضا مافی، خطاط و نقاش (۱۳۶۱ش)
- تأسیس بندر و منطقه آزاد تجاری در جزیره کیش (۱۳۶۵ش)
- درگذشت هما روستا؛ بازیگر (۱۳۹۴ش) - زادروز ۴ مهر ۱۳۲۵ش

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۱/۵۶ | غروب آفتاب: ۱۷/۵۵
اذان مغرب: ۱۸/۱۳ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۴
اذان صبح (فردا): ۴/۳۲ | طلوع خورشید (فردا): ۵/۵۶

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	ارومیه	اراک	ایلام	بندرعباس	ساری	شیراز	یزد
۳۱ / ۱۷	۲۲ / ۶	۲۹ / ۷	۲۹ / ۱۳	۳۷ / ۲۹	۲۵ / ۱۶	۳۵ / ۱۶	۳۶ / ۱۷

حکمت ۳۴۵: نهج‌البلاغه

قدرت نداشتن بر گناه نوعی پاکدامنی است.

خودنویس

خرید آب معدنی با حقوق پادشاهی!

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

اصلا بگذارید حرفم را از اینجا شروع کنم. داشتم می‌رفتم دنبال انجام کاری که وسط راه در کافه‌ای اتراق کردم که هم گرسنگی سر ظهر را بشکنم و بعضی کارها را انجام بدهم و یادداشت روزنامه را بنویسم. یک‌ساعتی به انجام این کارها گذشت و آخر کار مسؤول صندوق کافه یک فاکتور بالای صدهزار تومانی را گذاشت کنار دستگاه کارتخوان و بدون این‌که چیزی بگوید کنار ایستاد تا من هم بدون این‌که چیزی بگویم کاری که باید را انجام بدهم! صد و چند سال پیش در چنین روزی که شما دارید روزنامه جام جم را می‌خوانید، دو اتفاق مهم تاریخی افتاده است. مهم بودنش امروز برای من و شما بیشتر از نوشیدن چای عصرگاهی‌مان نیست اما برای دو شخصیتی که این دو اتفاق برایشان افتاده در همان روز، مسأله مرگ و زندگی بوده است. در چنین روزی ظل‌السلطان توانست از بند مجاهدین رها شود و بار و بنه ببندد به سمت اروپا. فرزند بزرگ ناصرالدین‌شاه بود و داعیه پادشاهی داشت اما به‌دلیل مادر غیرقاجاری‌اش، ولیعهدی را از او سلب کردند و او هم در مسند ولایت اصفهان افتاد به کشت و کشتار و تخریب بناهای صفوی که خودش را نشان بدهد. آخر کار در بند مجاهدین گرفتار شده بود که به نقل تاریخ صدهزار تومان وجه نقد مملکت را پرداخت کرد که بتواند برود اروپا. چند سال بعد، وقتی احمدشاه قاجار هنوز به سن قانونی نرسیده بود و نیاز به نایب‌السلطنه داشت، ناصرالملک که از سیاستمداران کارکشته ایرانی در فرنگ بود طی تلگرافی به طهران اعلام کرد درخواست نایب‌السلطنه بودن را قبول می‌کند ولی در ازای دریافت ماهی ۱۰هزار تومان حقوق! اعداد و ارقامی که ذکر شد در زمانه خودش خارج از تصور مردم عادی بوده است. ماهی ۱۰هزار تومان حقوق برای پادشاهی مملکت... در مخیله رعیت هم نمی‌گنجید که ماهی ۱۰هزار تومان درآمد داشته باشد. در صورت حساب کافه امروز، ۱۰هزار تومان برای یک آب‌معدنی ۳۰۰سی‌سی فاکتور شده است! یعنی اگر ناصرالسلطان، پادشاه مملکت جای من نشسته بود می‌توانست با یک ماه حقوق پادشاهی، یک آب‌معدنی در کافه‌ای خارج از تهران بخرد! خواسته‌ها و آرزوهای ما آدم‌ها ارتباط مستقیمی با زمان دارد. زمان که به آنها بخورد دیگر ارزش‌شان می‌شود مثل حقوق پادشاهی که صد سال بعد پول یک بطری آب‌معدنی است.

گفت‌وگو با محمدرضا عباسیان، مستندساز درباره پیاده‌روی اربعین

راه سخت دوست داشتنی

در مسیر پیاده‌روی اربعین مردم عراق با هرچه که در توان دارند از زائران پذیرایی می‌کنند

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

یکی از معدود مسیرهایی است که باید دل به یاری پا بیاید. از آن راه‌هایی که اول باید متمرکز شوی و بنشینی با دلت خلوت کنی و ببینی او چه می‌گوید. اگر به راه بزند شوری به پا می‌کند که پاها لاجرم باید حرکت کنند. در این سفر آن‌چنان مسافران می‌گویند، باید با دل راه رفت نه با پا که پاها اختیارشان در دست مغز است و سیستم عصبی و ناتوانی جسم و هزار دلیل می‌آورند که راه دور است و جسم ناتوان و نمی‌شود. اما دل که از مغز دستور نمی‌گیرد، خودش مستقیم به بالا وصل است، پیچیدگی مغز را ندارد و چون خودش انرژی تولید می‌کند، مانند مغز دو دو تا چهار تا نمی‌کند که حالا باید برای اداره بدن انرژی ذخیره کند و اصلا این بدن ضعیف چرا باید در گرمای عراق پیاده راه بیفتد و برود حرم . پیاده چرا؟ می‌توان همین مسیر را در ماه‌های خنک‌تر رفت وقتی خلوت‌تر است و می‌توان با فراغ بال زیارت کرد و درخلوت‌نشست‌وبا امیرالمومنین(ع) وپسرهایش و یارانشان حرف زد. اما دل می‌گوید به راه بزن. اتفاقا همین پیاده‌روی و سختی مسیر خوب است. دل است. دیگر سختی را بیشتر از راحتی می‌پسندند، بر عکس مغز که همه توجیهات را می‌آورد که ما به راه سهل‌تر و آسان‌تر و راحت‌تر برویم.

فردا اربعین است و چند روزی است آنها که به حرف دلشان گوش داده‌اند به راه زده‌اند و اکنون دیگر نزدیکی‌های حرم سیدالشهدا(ع) هستند و عده‌ای هم البته رسیده‌اند. آنها که زودتر رفته‌اند یا تندتر قدم برمی‌دارند و شب و روز زیاد برایشان توفیر نمی‌کند و فقط می‌روند تا برسند. همان‌هایی که معمولا تنهایند و فیلم‌ها و عکس‌هایشان که در شبکه‌های مجازی منتشر می‌شود، با خودت می‌گویی خوش به حال خودت و دلت که چنین در خلوت خودت می‌روی تا برسی.

سلوک عارفانه

چند روزی است حال و هوای ایران کلا اربعینی شده و هوا، هوای پیاده‌روی اربعین است. شوری است که مغزت هرچقدر هم قوی و منطقی باشد و فرمانده بدن و ذهنت، باز از آن گوشه و کنارها دلت سرک می‌کشد و هوای رفتن پیدا می‌کند. محمدرضا عباسیان، مستندسازی که چند بار به پیاده‌روی اربعین رفته درباره حال و هوای پیاده‌روی اربعین و فراگیری آن می‌گوید: حدود ۱۰سالی است پیاده‌روی اربعین بین ایرانی‌ها باب شده اما این سنت قرن‌های زیادی است که در عراق برقرار است. عراقی‌ها با نزدیک شدن به اربعین امام حسین(ع) از گوشه و کنار این کشور پیاده به سمت حرم راه می‌افتند. آنها معمولا سبک مسافرت می‌کنند، بار و بندیل زیادی با خودشان همراه نمی‌برند. هر جا هم که گنبد حرم سیدالشهدا را دیدند، سلام می‌دهند و برمی‌گردند. ایرانی‌ها اما از وقتی طعم پیاده‌روی اربعین را چشیدند دیگر آن را رها نکرده و نمی‌کنند. سال قبل به دلیل شیوع کرونا ایرانی‌ها نتوانستند به این پیاده‌روی بروند و امسال هم تعداد محدودی توانستند بروند. مسیر سختی است و اصلا آسان نیست که کیلومترها پیاده راه بروی. اما واقعیت این است آنقدر شیرین و دلنشین است که اگر فقط یک بار بروی محال است دیگر این سفر را ترک کنی. موعد اربعین که می‌شود، دلت به راه می‌زند و تو را هم با خودش می‌برد. شاید به این دلیل که پیاده‌روی اربعین در واقع سلوکی عارفانه است که سختی‌هایش هم دوست‌داشتنی است و جذاب؛ جذاب از منظر معرفتی و شناختی. سفری است که دلت را جلا می‌دهد و حالت را برای مدتی هم که شده خوب می‌کند. هرچند پاهایت تاول بزند، نفست تنگ شود، خورد و خوراکت هر چه باشد در مسیر گیرت می‌آید، جای خوابت نرم و گرم یا نرم خنک نباشد و ...

مسیری که مقصد است

عباسیان می‌گوید: برخی به راه می‌زنند و پا در سفر اربعین می‌گذارند و همه مسیر را هم پیاده می‌روند. من راستش همه راه از نجف تا کربلا را نمی‌توانم پیاده بروم. اما همان مقدار راهی که می‌روم را نمی‌توانم با هیچ پدیده دیگری مقایسه کنم. من حج هم رفته‌ام که سفری جمعی است و بسیاری از مراسم آن را باید پیاده برگزار کنی و در میان جمع. اما به نظرم پیاده‌روی اربعین با سلوک و مراسم حج حتی تفاوت‌هایی دارد. پیاده‌روی اربعین سخت‌تر است و امکانات و آسایشی که در حج هست در مسیر رسیدن به کربلا نیست. معروف‌ترین مسیر پیاده‌روی از نجف تا کربلاست. عده‌ای با هواپیما می‌روند نجف و اول به زیارت امیرالمومنین(ع) می‌روند که خودش توفیق بزرگی است. حضور در حرم امام اول شیعیان خودش دوپینگ و ذخیره انرژی خوبی است. بعد به راه می‌افتند و پیاده می‌روند سمت کربلا. عراقی‌ها به این مسیر می‌گویند طریق شط. اما مسیرهای دیگری هم هست. برخی از مسیر کاظمین می‌روند و برخی مسیر بصره. اما مسیر طریق شط که به طریق‌العلما هم شهرت دارد، معروف‌ترین مسیرهاست که موکب‌های زیادی در آنجا مستقر می‌شوند و از زائران پذیرایی می‌کنند. عراقی‌هایی هم که وظیفه خود می‌دانند در این ایام از زائران پذیرایی کنند کم نیستند. در ایام پیاده‌روی و تا قبل از اربعین همه چیز در این مسیر مجانی است و لازم نیست هزینه‌ای پرداخت شود. جالب اینجاست بعد از روز اربعین همه چیز به روال عادی برمی‌گردد و دیگر هیچ چیزی رایگان پیدا نمی‌شود. انگار فقط برای چند روز همه شرایط سهل و آسان می‌شود تا تو به کربلا برسی. در همین روزها ازدحام آنقدر زیاد است که حتی نمی‌توانی وارد خیابان بین‌الحرمین شوی چه برسد توفیق پیدا کنی وارد حرمین شوی. هر اتفاقی که قرار است بیفتد در همان مسیر می‌افتد. راه، خودش به نوعی مقصد است.

عاشقانه‌ای که باید تجربه‌اش کنی

دهه اول محرم، دهه عجیبی است. همه به عشق امام حسین(ع) به هیات‌ها و خیابان‌ها می‌آیند. کسی که شاید نماز یومیه‌اش را هم نخواند اما در آن شب و روزها می‌رود زیر علم امام حسین (ع). هیچ‌کس نه انتقادی به او می‌کند و نه می‌گوید تو نباید بیایی هیات امام حسین (ع). همه فضا از عشق اباعبدا... (ع) پر است و همه به هم اجازه می‌دهیم عطر این عشق را استشمام کنیم. پیاده‌روی اربعین هم دقیقا همین‌جوری است. همه در کنار هم قدم می‌زنند و هم‌سفر می‌شوند بدون این که یکدیگر را قضاوت کنند یا بگویند تو چرا آمده‌ای. نه نصیحتی وجود دارد و نه اما و اگری. یک اتفاق فرهنگی نادر است که باعث می‌شود آدم‌ها با هر مسلک و اعتقادی کنار هم قرار بگیرند. آنچه مهم است عشق به سیدالشهدا(ع) است. این که این سفر چقدر در سبک زندگی و اعتقادات آدم‌ها موثر است، بستگی به تصمیم هر آدمی دارد که به این سفر می‌رود. شاید تصمیمش این است به راه تزکیه قدم بگذارد و پیاده‌روی اربعین در این راهی که انتخاب کرده کمکش کند. اما این که بگوییم با پیاده‌روی اربعین کلا زندگی فرد و اعتقاداتش تغییر می‌کند نه ، چنین نیست. چند روزی حال دلت خوب است. اگر بتوانی این حال خوب را استمرار بدهی و دلت و ذهنت را پاکیزه نگه داری که برنده‌ای. اگر هم نتوانی، همان چند روز هم غنیمت است. به نظرم برای درک پیاده‌روی اربعین و حال و هوایش هر آدمی خودش باید برای یک بار هم که شده این سفر را تجربه کند چون نه به کلام می‌آید و نه فیلم و عکس می تواند ذات درونی آن را توصیف و تفسیر کند.

یادداشت

اربعین، مسیر انسان‌شدن

مهدی توکلیان
عکاس و روزنامه‌نگار

اربعین یادآور روضه ۴۰ منزل خورشید بر نی است. روضه هزارویک راز ۱۴۰۰ساله در تکرار تاریخ و یادآور نام مبارکی که آسان بر لب‌ها می‌نشیند و یادش چه داغ‌ها بر دل‌ها می‌نشاند. تاریخ پلک‌های خود را به ۱۴۰۰ افسوس به عقب برمی‌گرداند که انسان فراموشکار بساط بسیط آتش فتنه را در سرزمین کربلا گسترانیده است و هرگاه تقویم تاریخ عاشقی ورق می‌خورد کربلا دگربار تکرار و قافله عشق عازم سفر می‌شود. کاروانیانی که عصر حیات در زندگی‌شان عصر دیگری از تاریخ زمینیان است. ضرباهنگ گام‌های تاریخ، خورشید عشق را به دیار مرده قلب‌ها فرامی‌خواند تا در طنین گام‌های پرتلاش پست‌ترین مردمان تاریخ، برف‌های وجودشان آب و فصل انجماد سپری شود. چهار ماه و چند روز و ۱۴۰۰ سال از توقف سوم شعبان تا هشتم ذی‌الحجه می‌گذرد و کاروان عزم رفتن می‌کند. رفتن به سرزمین سوزناک و عطشناک کربلا، سفر به نینوا. سرودن غزل تشنه‌کامی کربلاییان در اربعین دگربار سروده می‌شود. کاروان اربعین منزل به منزل در مسیر رسیدن در حرکت است و هر منزل دلدادگی عاشوراییان را مرور می‌کند. بادهای آوازه‌خوان صحرای نینوا نیز آمدن سفیر عشق را بر سراسر خاک ماتم‌گرفته نینوا دگربار نجوا می‌کنند. نام خورشیدی که آفتاب شرمنده می‌شود و خاموش. مسافر سال‌های ۶۰ هجرت که در طوفان ولیت و کودکی در آغوش رحمت للعالمین اوجی بی‌نظیر داشت. نام مبارکی که میلادش، میلاد اشک و گریه است. «ثارا...» ....

خون تنیده در رگ‌های تاریخ/ شهید بی‌شبیه تاریخ عشق

اربعین روایت نسلی از مردم جهان است که نادیده، دل‌هایشان را به نامی ازلی مهر گزیده‌اند و جان بر سر دل نهاده‌اند و مجنون‌وار به سوی مزاری نورانی در راهند به نیت همراهی با عقیله کاروان سال ۶۰ هجرت، از سرزمین ابوتراب و به نیت همراهی با بانوی تنهای نینوا.

که با گلوی مرثیه‌ها/ حدیث تشنه‌ترین دشت‌های صحرا را می‌خواند

مادر پروانه‌های بی‌قرار نینوا/ چند بار دلش کوه شد و به لرزه درآمد

بانوی هزار داغ بی‌قراری و بی‌نوایی بهانه‌ای می‌شود برای بیان بلاهای آن روزهای تاریخ، در قدم‌های بانوان سالخورده و جوان جهان در مسیری با پای پیاده با کودکان و طفلان و یادآور مهربانی‌های بانویی که با سینه‌ای که داغ هزار کوه را به سوگ نشسته است و سایه‌سار بنی‌هاشم است. کربلای ۶۰ هجری، قرآن یک بار دیگر از حنجره اربعین تلاوت شد.

تاریخ پلک‌های خود را به ۱۴۰۰ افسوس به عقب برمی‌گرداند تا که انسان فراموشکار بداند که انسان‌منهای‌انسانیت، بساط بسیط آتش‌فتنه را در سرزمین کربلا گسترانیده است. اربعین یادآور این درس‌آموز بزرگ است که خیمه‌گاه حسین‌علیه‌السلام همیشه برپاست. خیمه‌گاه اربعین از همان روز که قامت آدم را به دست خویش برپا ساخت هنوز هم چنان برپاست.

هزار سال گذشت از حکایت مجنون/ هنوز مردم صحرانشین سیه‌پوشند

اربعین هر سال در تقویم تاریخ تکرار می‌شود تا به تمام فطرت‌های پاک یادآور شود که می‌توان گریه کرد و گره باز کرد، می‌شود عاشقانه عزاداری و عزای دل کودک و نوجوانی را برطرف کرد.

می‌توان دغدغه را برطرف کرد بدون آن‌که حتی نزدیک‌ترین افراد هم بدانند. به‌راحتی می‌شود اخم‌های بسیاری را از چهره‌ها زدود بدون آن‌که خم به ابرویی بیاید. اربعین مردانه در میدان قدم نهادن را می‌آموزد و یادآوری می‌کند که غیرت داشتن و غیرتمند بودن به قدرتمند بودن ربطی ندارد، به اصالت و نجابت مربوط است. اربعین، درس‌های بزرگی را به جهان یادآوری می‌کند. اربعینی بودن یعنی قدم‌گذاشتن در مسیر عاشورا، عاشورایی که پایان ندارد و در ثانیه‌های این جهان جریان دارد. عاشورایی که درس انسان شدن و انسان بودن و انسان ماندن است ....

مرور و عبور با جام جم ۲۰۰ سال قبل

استراو به ایران آمد

سفر وزیر خارجه انگلیس به ایران آمد و یک بار دیگر ایران را در کانون اخبار مربوط به تحولات بین‌المللی اخیر قرار داد.

استراو که در تهران با مقامات بلندپایه کشورمان دیدار کرد، دریافت که جمهوری اسلامی ایران مصرانه تلاش می‌کند جنگ خانمانسوز افغانستان و منطقه را درگیر نکند. همچنین مذاکرات رئیس‌جمهور ایران با سران خاورمیانه به‌منظور تبادل‌نظر پیرامون مسائل مهم و حیاتی جهان امروز نقش فعال کشورمان در رخدادهای روزهای آینده را پررنگ‌تر کرد. کارشناسان سیاسی بر این باورند که در پایان سفر وزیر خارجه انگلستان به تهران و برخی کشورهای منطقه و رایزنی‌های وی با کاخ سفید را به اتخاذ سیاست‌های معقول‌تر و منطقی‌تر وادار خواهد کرد. (صفحه ۲)

بازار داغ فروش کلیه

مصطفی قاسمی، مدیرعامل انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی گفت: تا چند سال قبل بسیاری از بیماران کلیوی که برای ادامه زندگی به پیوند کلیه نیازمند بودند با دریافت این عضو از بستگان درجه یک و نزدیکان مشکل خود را حل می‌کردند اما متاسفانه از زمانی که دولت تصویب کرد به اهداکنندگان کلیه یک میلیون تومان به عنوان هدیه ایثار بپردازد بازار خرید و فروش کلیه داغ شد تا جایی که امروزه بسیاری از جوانان بیکار و زنان و مردان نیازمند به پول به‌خاطر رفع مشکلات مالی برای فروش کلیه خود تلاش می‌کنند تا با یافتن بیمار نیازمند به کلیه و پس از دریافت چند میلیون پول کلیه خود را به او بدهند. (صفحه ۱۳)

«باران» در راه است

فیلم سینمایی باران ساخته مجید مجیدی پس از کسب موفقیت‌های جهانی از نیمه‌مهر در تهران اکران می‌شود. این فیلم در گروه سینما فرهنگ(عصرجدید، بلوار، شهرتماشا، ایران، مراد، شهرقشنگ و پیروزی) نمایش داده می‌شود. احتمالا فیلم باران هم‌زمان در کشورهای ایتالیا، کانادا و ژاپن نیز اکران خواهد شد. باران، سفر قندهار و دلبرات سه فیلمی هستند که توسط فیلمسازان ایران درباره مردم افغانستان و مشکلات آنان ساخته شده است. (صفحه ۳)

نبض صلح در تهران می‌زند

وزیر خارجه انگلیس: می‌خواهیم با همکاری ایران وفاق بین‌المللی را فراهم کنیم

خاتمی: هیچ تصمیمی بدون حضور ایران عملی نیست

هری‌پاتر مقابل دوربین اسپیلبرگ

خبر می‌رسد استیون اسپیلبرگ سومین قسمت از مجموعه فیلم هری‌پاتر را کارگردانی می‌کند. او که مدتی قبل گفته بود قصه‌های هری‌پاتر خلاقانه نیست و پیشنهاد کارگردانی قسمت‌اول این فیلم را رد کرده بود حالا تغییر عقیده داده و می‌گوید پس از خواندن سومین کتاب هری‌پاتر متوجه‌شده که این یکی تفاوت زیادی با بقیه قصه‌های هری‌پاتر دارد. اسپیلبرگ می‌گوید: با این که از دوستدارن قصه‌های رولینگ هستم اما اولین قصه هری‌پاتر را دوست نداشتم اما به‌نظرم قسمت‌سوم کار یک نابغه است. (صفحه ۳)